



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: مالکیت معنوی

تاریخ: ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۵

موضوع جزئی: مقدمات - مقدمه هفتم: موضوع مالکیت فکری - مروری بر مباحث گذشته

مصادف با: ۲۴ ذی القعدة ۱۴۴۷

سال اول

جلسه: ۳۴

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مروری بر مباحث گذشته

به دلیل فاصله طولانی بین آخرین جلسه این بحث و این جلسه، ناچاریم مروری بر بحث‌های گذشته داشته باشیم؛ به علاوه، نکته‌ای که مرور بحث را ضروری می‌کند، این است که ما ببینیم در کجای بحث قرار دادیم و چه راهی پیموده‌ایم و بقیه راه چیست. چون سخن در مقدمات مسئله مالکیت فکری بود؛ این مقدمات همگی به منظور تمهید و آماده‌سازی برای بررسی مشروعیت و اعتبار مالکیت فکری بیان شد. لذا هم به دلیل این فاصله‌ای که افتاد و هم به جهت روشن شدن ادامه مسیر و تبیین غرض از این مقدمات، ناچاریم یک مرور سریع بر بحث‌ها داشته باشیم.

از ابتدا تا امروز که ۳۳ جلسه درباره موضوع مالکیت فکری بحث کردیم، هفت مقدمه بیان شد.

مقدمه اول: درباره حقیقت ملکیت و انواع آن بود.

مقدمه دوم: درباره عنوان بحث بود؛ چون عناوین متعددی برای این موضوع ذکر شده، نیاز بود که ما از میان عناوین نسبتاً شایع، یک عنوانی را انتخاب کنیم. عنوانی که انتخاب شد، مالکیت معنوی یا مالکیت فکری بود. البته نسبت به خود این دو عنوان هم اشکالاتی مطرح است؛ اما باز از سایر عناوین بهتر است و نسبت به آنها رجحان دارد.

مقدمه سوم: که در اوایل بحث مطرح شد، پیرامون منشأ مالکیت معنوی بود. به حسب ترتیب شاید مناسب‌تر این بود که منشأ مالکیت معنوی بعد از پذیرش اصل مالکیت معنوی مطرح شود، اما از آنجا که این منشأ و سبب، هم می‌تواند منشأ حق باشد و هم منشأ مالکیت آن را بیان کردیم. آن اسبابی که به حسب انظار مختلف (به خصوص در میان برخی از اندیشمندان غربی) مطرح شده، چند منشأ و سبب است؛ مثلاً برخی گفته‌اند مالکیت معنوی ناشی از کار و فعالیت شخص است؛ برخی آن را ناشی از شخصیت مخترع یا مبتکر می‌دانند. بعضی نظریه اصالت منفعت را مطرح کرده‌اند. برخی منشأ را یک امر اخلاقی می‌دانند و برخی این منشأ را یک امر اقتصادی، که حالا این امر اقتصادی می‌تواند به نظریه سوم که اصالت منفعت است، بازگشت کند.

مقدمه چهارم: که این هم به حسب ترتیب می‌تواند در مباحث متأخرتر گنجانده شود (که ما این را در هنگام تنظیم برای نشر این بحث‌ها، ان شاء الله اعمال خواهیم کرد)، درباره ماهیت مالکیت معنوی است؛ از این جهت که اساساً مالکیت معنوی از سنخ ملکیت است یا از سنخ حق؟ چند احتمال و بلکه چند نظر در اینجا وجود دارد:

۱. یکی اینکه نه حق است و نه ملک؛ کسانی که منکر این حقیقت هستند، به این احتمال معتقدند.

۲. دوم اینکه حق است، نه ملک.

۳. سوم اینکه مالکیت است، نه حق.

۴. چهارم اینکه هم حق است و هم مالکیت.

۵. پنجم این است که این یک حق اخلاقی است. این حق اخلاقی البته می‌تواند از توابع احتمال اول هم باشد؛ یعنی کسانی که می‌گویند مالکیت معنوی نه حق است و نه ملک، در عین حال می‌توانند ملتزم شوند که این یک حق اخلاقی است؛ چون مراد از حق که در چهار احتمال اول در معرض نفی و اثبات قرار می‌گیرد، حق اقتصادی است یا حقوقی که بعضی از آثار را به دنبال دارد.

مقدمه پنجم: پیرامون تعریف و مختصات مالکیت معنوی از دو منظر سخن گفتیم؛ یکی در حقوق مالی و دیگری در حقوق معنوی. البته برخی از مصادیق مالکیت معنوی را هم به اجمال بیان کردیم.

مقدمه ششم: درباره پیشینه مالکیت معنوی بود؛ برای این منظور، ما ابتداءً به سیر تطور مالکیت اشاره کردیم؛ سپس به دو دیدگاه درباره مالکیت و اینکه آیا اصل مالکیت ناشی از فطرت است یا ناشی از تطورات ملکیت و مراحل طی کرده که نتیجه قهری آن شده ملکیت، مطالبی را عرض کردیم؛ اینها مقدمه‌ای برای بیان پیشینه مالکیت معنوی بود.

از آنجا که مالکیت معنوی دارای دو شاخه اصلی است؛ یکی مالکیت ادبی و هنری، و دیگری مالکیت صنعتی، ما به پیشینه هر دو شاخه مالکیت پرداختیم؛ هم پیشینه مالکیت ادبی و هنری را بیان کردیم و هم تطورات و پیشینه مالکیت صنعتی را. آنگاه پیشینه مالکیت معنوی در ایران (هم قبل از انقلاب و هم بعد از انقلاب) بیان شد و اشاره مختصری هم به سابقه مالکیت معنوی در جهان اسلام داشتیم.

این مقدمات شش‌گانه به معنای حقیقی کلمه، مقدمه محسوب می‌شوند.

مقدمه هفتم: که مهم‌ترین مقدمه بحث ما به حساب می‌آید (و از یک منظر شاید در زمره مقدمات هم قرار نگیرد و بلکه متن بحث ماست و پایه‌ها و بنیان‌های بحث‌های بعدی ما محسوب می‌شود و هنوز ما در این مقدمه هستیم و بحث را باید ادامه بدهیم) این بود که اساساً موضوع مالکیت معنوی چیست. سه پرسش اساسی اینجا مطرح شد؛ یکی اینکه اصلاً مالکیت معنوی یک مسئله قدیمی است یا جدید؟ پرسش دوم این بود که آیا مالکیت معنوی موضوع دارد یا نه؟ اگر موضوع دارد، این موضوع واحد است یا متعدد؟ ما دیدگاه‌ها را اجمالاً بیان کردیم؛ برخی می‌گویند اصلاً مالکیت معنوی موضوع ندارد و برخی هم می‌گویند موضوع دارد و موضوع آن متعدد است؛ برخی هم می‌گویند دارای موضوع واحد است. آنگاه بعد از پذیرش اصل موضوع برای مالکیت معنوی و نیز پذیرش وحدت موضوع در مالکیت معنوی، نوبت به پرسش سوم رسید که این موضوع چیست؟ پس پرسش سوم پیرامون چیستی موضوع مالکیت معنوی است. دقت کنید که چرا ما درباره اینها بحث می‌کنیم؟ برای اینکه وقتی ادله مشروعیت و اعتبار مالکیت فکری می‌خواهد مورد بررسی قرار بگیرد، باید ببینیم این ادله شامل این موضوع می‌شود یا نه. این از آن جهت مهم است که هم گفتیم مهم‌ترین مقدمه بحث ماست و هم گفتیم چه‌بسا اصلاً این را به یک معنا از مقدمات بحث نباید محسوب کنیم.

اینجا از سه جهت و زاویه بحث کردیم؛ یکی چیستی خود این پدیده، یعنی آن چیزی که می‌گوییم مالکیت به آن تعلق می‌گیرد

یا حق به آن متعلق می‌شود، چیست؟ دوم، نسبت پدیده با پدیدآورنده چگونه است؟ به عبارت دیگر، نوع رابطه پدیدآورنده یک اثر و خود آن اثر، چه نوعی از رابطه است؟ ما اگر در این دو جهت به نتیجه برسیم، کار ما در بررسی ادله بسیار سهل خواهد بود. در هر دو جهت اختلاف نظر فراوان است.

جهت اول: در مورد تحلیل خود این پدیده، ما هشت احتمال یا نظر را ذکر کردیم. من فهرست‌وار این هشت احتمال یا نظر را ذکر می‌کنم، چون بررسی‌ها را قبلاً انجام داده‌ایم؛ هر کدام از اینها اشکالاتی دارد. این احتمالات هشت‌گانه عبارتند از: ۱. عین جزئی خارجی؛ ۲. عین کلی خارجی؛ طبق این دو احتمال، پدیده می‌شود خود آن عینی که اختراع یا ساخته یا نوشته شده است. ۳. فعل پدیدآورنده؛ ۴. افکار و اندیشه شخص مخترع و مبتکر و مؤلف؛ ۵. هیأت حاصل از فکر و اندیشه که در قالب اثر مادی در خارج محقق می‌شود؛ ۶. خلاقیت و ابتکار؛ یعنی خود خلاقیت و ابتکار که منجر به این محصول شده، موضوع مالکیت فکری است. ۷. اطلاعات و آگاهی‌هایی که شخص جمع‌آوری می‌کند و محصول یا کتاب را با استفاده از این آگاهی‌ها و اطلاعات ایجاد یا تألیف می‌کند؛ این غیر از فکر است؛ عملیات فکر و تفکر غیر از این اطلاعاتی است که جمع‌آوری کرده است. ۸. اساساً این پدیده یک امر اعتباری است؛ طبق این احتمال، این پدیده یک امر اعتباری است؛ در حالی که طبق احتمالات هفت‌گانه گذشته، یک امر واقعی بود. حالا آن امر واقعی، یا مادی بود یا معنوی؛ ولی بالاخره یک واقعیتی برای آن متصور بودند، اما طبق این احتمال، این یک امر اعتباری می‌شود.

نسبت به این هشت احتمال اشکالاتی مطرح شده که اینها را اجمالاً اشاره کردیم.

جهت دوم: درباره نوع نسبت و رابطه بین پدیدآورنده و خود پدیده است؛ در این باره هم چندین قول و نظر وجود دارد که اینها را بیان کردیم. آن پدیده‌ای که عین خارجی جزئی است یا عین خارجی کلی یا اساساً خلاقیت و ابتکار است یا هر چه که هست، رابطه‌اش با پدیدآورنده بر چند نوع می‌تواند باشد؛ از جمله: ۱. ملکیت عین؛ ۲. ملکیت منفعت؛ ۳. حق انتفاع؛ ۴. حق خاص؛ ۵. حق عینی مستقل. بدیهی است کسی که قائل به ملکیت منفعت است، نمی‌تواند ماهیت آن پدیده را یک عین خارجی بداند؛ چون خودش می‌گوید موضوع مالکیت فکری، عین جزئی خارجی است؛ لذا وقتی می‌خواهد نوع رابطه پدیدآورنده را با آن پدیده بیان کند، نمی‌تواند بگوید او مالک منفعت است. بله، با یک توجیه می‌تواند این را بگوید؛ ممکن است بگوید پدیده یک عین جزئی خارجی است اما او مالک خود عین نمی‌شود بلکه مالک منفعت آن می‌شود؛ البته این با تکلف همراه است و به سادگی نمی‌توان آن را پذیرفت. به هر حال این احتمالات درباره نوع نسبت و رابطه پدیدآورنده اثر با خود اثر وجود دارد.

این دو مطلب و دو جهت مهم است؛ ما آن هشت احتمال را گفتیم. بالاخره باید ببینیم کدام درست است. آیا پدیده را یک امر اعتباری می‌دانیم یا رابطه و نسبت مخترع و مبتکر و مؤلف با آن اثر و پدیده و کتاب نوع دیگری از رابطه است. بر این اساس، یک بحثی را مطرح کردیم درباره ملک و حق؛ چه ما آن پدیده را یک امر حقیقی بدانیم چه یک امر اعتباری، بالاخره باید بدانیم نسبت و رابطه پدیدآورنده با آن پدیده ملک است یا حق، لذا امکان ملکیت و امکان حق بودن را بر طبق احتمالات هشت‌گانه بررسی کردیم؛ گفتیم ببینیم آیا مثلاً امکان ملکیت نسبت به فکر و اندیشه وجود دارد یا نه؛ امکان ملکیت نسبت به هیأت حاصل از فکر و اندیشه که در قالب یک اثر مادی در خارج تحقق پیدا می‌کند، وجود دارد یا نه؟ امکان ملکیت نسبت به خلاقیت و ابتکار وجود دارد یا نه؟ ما تمام این احتمالات را از حیث امکان و عدم امکان ملکیت بررسی کردیم؛ ملاحظه فرمودید نسبت به

بعضی از این احتمالات امکان ملکیت هست، اما امکان ملکیت حقیقی. نسبت به بعضی‌ها هم این امکان نیست.

همچنین امکان ذو حق بودن صاحب اثر و پدیدآورنده را نسبت به خود پدیده و اثر بر طبق احتمالات مذکور مورد بررسی قرار دادیم؛ ملاحظه فرمودید امکان ملکیت وجود دارد؛ امکان حق بودن هم وجود دارد. جمع‌بندی ما در این مرحله بسیار مهم است؛ ان‌شاءالله در ادامه خواهیم گفت که با چه معیار و ملاکی می‌توانیم بگوییم پدیدآورنده مالک محسوب می‌شود یا ذو حق؛ با چه معیاری می‌توانیم بگوییم آن پدیده یک عین خارجی است یا خلاقیت و ابتکار است یا اصلاً آگاهی‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده توسط این شخص است یا هیچ کدام؟

جهت سوم: درباره امکان مالیت در مورد موضوع مالکیت فکری است و اینکه آیا اساساً آنچه که به عنوان مالکیت فکری درباره آن بحث می‌شود، مالیت دارد یا نه؟ چون خود مالیت داشتن یا نداشتن، از چند جهت مهم است. این بحث برای بحث‌های آینده بسیار تعیین‌کننده است. اگر ما گفتیم این پدیده مالیت دارد و نوع رابطه را هم رابطه حق دانستیم، قهراً این می‌شود از سنخ حق مالی؛ اما اگر گفتیم آن پدیده مالیت ندارد، ضمن اینکه صاحب اثر نسبت به اثر حق دارد، اینجا دیگر نمی‌توانیم بگوییم این یک حق مالی است. به علاوه در مقام استدلال برای اعتبار و مشروعیت مالکیت فکری، بعضی اینطور استدلال کرده‌اند که همین که این مال محسوب می‌شود، کفایت می‌کند برای مشروعیت مالکیت فکری و دلیل دیگری نمی‌خواهیم. نفس صدق عنوان مال بر این پدیده کافی است برای مشروعیت بخشیدن به مالکیت فکری. ما این را در بررسی ادله خواهیم گفت که آیا اساساً این کافی است یا نه؛ همین که مثلاً به این کتاب و به آن فکر عنوان مال صدق کند، می‌توانیم آن ادله و عموماً را شامل این بدانیم و بگوییم اینجا مالکیت ثابت می‌شود یا قابلیت خرید و فروش پیدا می‌کند؟ پس به دو وجه لازم بود بررسی شود مسئله مالیت این پدیده که این را بررسی کردیم. عرض کردیم تعریف مال و معیارهایی که برای صدق عنوان مال ذکر شده و مورد قبول ما قرار گرفته، اینجا قابل تطبیق است؛ یعنی این پدیده مالیت دارد. ما امکان مالیت را در هر هفت احتمال ذکر و بررسی کردیم؛ هر چند طبق برخی از این احتمالات، ممکن است مالیت ثابت نشود.

در میانه راه این بحث تعطیل شد و یک فاصله طولانی افتاد. قبل از اینکه به ادله اعتبار و مشروعیت مالکیت فکری بپردازیم، باید تکلیف خودمان را با این چند جهت روشن کنیم. یعنی ما یک بنائی را ساخته‌ایم و بالا آورده‌ایم، حالا باید خروجی این چند مطلبی که در مقدمه هفتم گفتیم را معلوم کنیم. اینها پرسش‌هایی است که ما قبل از ورود به بحث از ادله مشروعیت و اعتبار مالکیت فکری باید به آن پاسخ بدهیم و تکلیف خودمان را با آن روشن کنیم.

۱. اینکه خود آن پدیده چیست و موضوع مالکیت فکری کدام است؟

۲. مالیت دارد یا نه؟

۳. نوع رابطه و نسبت پدیدآورنده اثر با آن اثر، چه نوع رابطه‌ای است؟

این سه مطلب را که پاسخ بدهیم، در حقیقت بخش مهمی از راه را رفته‌ایم؛ آن موقع انطباق و عدم انطباق عناوین مذکور در ادله یا شمول و عدم شمول ادله خیلی آسان‌تر و آشکارتر است. برای همین است که من عرض کردم این بحث هم می‌تواند در ذیل مقدمات قرار بگیرد و هم در متن بحث به عنوان زمینه بررسی ادله. بالاخره اگر ما رسیدیم به اینکه این کتابی که مؤلف نوشته، مملوک مؤلف است و او نسبت به آن مالکیت دارد؛ منظور از کتاب هم نه یعنی کتابی که چاپ شده و صد نسخه آن در اختیار

این و آن قرار گرفته یا در کتابفروشی‌ها می‌فروشند؛ اینکه نمی‌تواند خودش موضوع مالکیت فکری باشد؛ اشکال این را قبلاً گفتیم؛ اصلاً نمی‌توانیم موضوع مالکیت فکری را عین جزئی خارجی یا عین کلی خارجی بدانیم. ما وقتی می‌گوییم مؤلف نسبت به آن چیزی که تألیف شده رابطه مالکیت دارد، منظورمان چیست؟

پس هم خود پدیده را باید معلوم کنیم و هم نوع رابطه آن را که آیا مالکیت است یا نسبت به آن حق دارد. همچنین آیا آن پدیده مالیت دارد یا نه. اگر ما این سه جهت را روشن کنیم، در واقع بخش مهمی از بحث به سرانجام رسیده است. بحث از این مقدمه از جلسه ۱۱ شروع شد؛ یعنی ما ۲۲ جلسه در مقدمه هفتم بحث کردیم؛ چون واقعاً بحث مهمی است. الان وقت جمع‌بندی این مقدمه است؛ من اولاً می‌خواستم ذهن شما را آماده کنم و اینکه بدانید ما در این مقدمه دنبال چه پاسخی می‌گردیم و چه چیزی را می‌خواهیم نتیجه بگیریم و اینکه این نتیجه و پاسخ در مقدمه هفتم چه تأثیری در بحث بعدی ما دارد. پس این سه جهت را ان‌شاءالله جلسه آینده نهایی می‌کنیم و بعد سراغ ادله اعتبار و مشروعیت می‌رویم.

توصیه من این است که یک مروری بر جلسات اخیر داشته باشید؛ چون من خیلی خلاصه به این مطالب اشاره کردم. هم بحث‌هایی که راجع به دیدگاه‌های مختلف پیرامون چیستی آن پدیده یا موضوع مالکیت فکری مطرح کردیم ببینید؛ آن احتمالات و اشکالاتی که پیرامون آنها مطرح بود، و هم این مطالبی که درباره نوع این رابطه ذکر کردیم. اینجا هم پنج احتمال گفتیم؛ اینها را هم ببینید تا ان‌شاءالله جلسه آینده این بحث را دنبال کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»